

شعر سپید آیینی

زهرا محمودی^۱، دکتر عباس ماهیار^۲



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۶

چکیده

در جریان شعر نو و اتفاقات ادبی بعد از انقلاب نیما، شاعران زیادی، انواع ادبی تازه ای را، با مضامین اجتماعی و سیاسی آمیختند و در این حوزه دست به تجربه زدند. اما تعداد انگشت شماری، بنا به دلایلی، به موضوعات مذهبی و دینی پرداختند.

آن چه در این پژوهش مورد توجه است، پیشینه‌ی شعر سپید آیینی و معرفی آثاری است که بعد از انقلاب و تحت تاثیر آموزه‌های عاشورایی و مفاهیم ارزشمند آن، توانستند جریان تازه‌ای را، به شعر معاصر تزریق کنند.

این جریان امروز، به عنوان رویکردی قابل اهمیت در بین شاعران، در حال تجربه اندوزی است. هدف از این تحقیق نقش شاعران جریان ساز پیش از انقلاب، در تقویت بنای این نوع ادبی و بررسی مؤلفه‌های شعر سپید، در شعر شاعران نوگرا و میزان موفقیت آن، به عنوان یک نوع ادبی با محتوایی آیینی، می‌باشد.

کلید واژگان: شعر سپید، شعر آیینی، روزگار معاصر، عاشورا.

۱ - دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران . mahmoodi_z79@yahoo.com

۲ - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. Shahin.mahyar@gmail.com

شعری: موج نو، شعر حجم، شعر پلاستیک، موج ناب و شعر سپید شاملویی ست. شعر مثنوی در پایان قرن نوزدهم، به عنوان یک جریان شعری مهم قبول عام یافت. شاملو، یکی از چند شاعر بزرگی است، که بعد از دهه‌ی سی توانست موفق‌ترین نمونه‌های شعری را در این زمینه ارائه دهد و کارهای بعد از ۱۳۴۰ شاملو که در قالب مثنوی سروده شده، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، و به شعر سپید شاملویی، معروف است.

«در شعر نیمایی، زبان وسیله‌ی وصف طبیعت و وسیله‌ی ارائه‌ی روایت بود. در شعر شاملو، زبان وسیله‌ی بیان خود، برای طبیعت بیرونی و خودِ درونی بود. اجتماع نیز، بخشی از آن طبیعت بیرون بود... این دو شاعر هر دو زاییده‌ی عصر روشنگری و عصر رومانتیسم بودند. مدرنیسم آن‌ها برخاسته از روایت عصر روشنگری بود و آن‌ها هر دو، شعر را وسیله قرار داده بودند، تا حقیقت را در بیرون، یا در درون کشف کنند.» (براهنی، ۱۳۷۴: ۱۹۲)

نادر نادرپور نیز از دیگر شاعرانی است که، شعر مثنوی را تجربه کرده است. اخوان ثالث هم در چاپ دوم «آخر شاهنامه» چند تجربه شعر مثنوی داشته... تنها گلچین گیلانی و خانلری و نیما، و فروغ و توللی از مشاهیر آن سال‌ها، دست به تجربه ناموفق شعر مثنوی زدند.

یکی از استعدادهای شعر مثنوی، هوشنگ ایرانی است. درباره‌ی شعر هوشنگ ایرانی بسیار گفته‌اند. شاعری که توانست فضای جدیدی را به شعر مثنوی وارد کند. آثار او (بنفش تند بر خاکستری و مجموعه‌ی خاکستری، در سال ۱۳۳۱) حرکت تازه‌ای بود در حوزه‌ی شعر مثنوی.

شعر قدیم، با تمام تناسب‌ها و هماهنگی‌هایش به دنبال ترکیب‌سازی بود، ترکیبی که دارای تشبیه و استعاره‌های فراوان بود. اما «جمال شناسی شعر جدید، بر این تکیه می‌کند،

که شعر قدیم زیباییش از تناسبها و هماهنگیها برخاسته، در صورتی که زیبایی شعر جدید (یعنی شعر مدرن)، حاصل گره خوردن متناقضات است یا اموری که از مقوله‌های نزدیک به هم نیستند... هر قدر نظام پیچیده‌تر باشد معنی «ما بعدی» تر می‌شود و هر قدر نظام ساده‌تر باشد معنی «ما قبلی‌تر» می‌شود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۶۴)

آنچه که امروزه، در قالب ادبی یا انواع شعر، مورد توجه قرار گرفته، حضور نوعی جدید از شعر، به نام سپید است. هنوز تعریف‌هایی جامع، درباره‌ی چیستی شعر سپید ارائه نشده است.

«شعر موزونی را گویند که قافیه ندارد. در شعر انگلیسی وزن شعر سپید، آی‌مب یک پنج پایه است که از سایر اوزان به وزن عادی زبان انگلیسی نزدیکتر است. شعر سپید، در ادبیات انگلیسی، نخستین بار، توسط «ارل آوساری»، شاعر قرن ۱۶ برای ترجمه‌ی منظومه‌ی «آنهئیه» اثر ویرژیل، شاعر روم باستان به کار رفت..

در شعر فارسی، شعر سپید، بر شعری آهنگین اطلاق می‌شود، که نه وزن عروضی دارد، نه قافیه و تا کنون تجربه‌ی موفق‌تری در زمینه‌ی آن صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد نوعی شعر سپید (به معنی شعر بی‌قافیه) در زبان فارسی تا عصر کمال‌الدین واعظ کاشفی، مولف کتاب «راع الافکار فی صناعت الاشعار» اواخر قرن ۱۰ه، باقی بوده است.» (سیما داد، ۱۳۸۳: ۳۱۴)

این قالب، در ادبیات انگلیسی، بر حسب ماهیت کلام و محتوا و وظیفه‌ی شعری، دو حالت اصلی گرفته است: اولی؛ شعر سپید دراماتیک و دومی، شعر حماسی.

عوامل تشکیل دهنده‌ی شعر نو، به تدریج در سالیان متمادی به وجود آمد و با توجه به پیشینه‌ی سنتی، اما غنی خود، رو به تکامل گذاشت.

آنچه که در شعر امروز، می‌تواند به عنوان ویژگی‌های شعر سپید مورد بررسی قرار گیرد، نکات زیر را شامل می‌شود:

منعکس شده، زیر مجموعه‌ی گسترده‌ای از شعر آیینی می‌باشد.

پیشینه‌ی شعر آیینی

ادبیات عرب، همزمان با رشد فرهنگ اسلامی، غنی‌تر شد و بیشتر خطبه‌ها و نوشته‌ها با نیایش‌های قرآن و ستایش پیامبر همراه بود. در زمان بنی امیه، به دلایل سیاسی شعر و شاعری مورد توجه قرار گرفت، آنان مردم را، با شعر به سوی خود جلب کرده، با صلّه و جایزه زبان منتقدان را خواستند کوتاه کنند و هدف آن‌ها مبارزه با مخالفان و رقیبان (اهل بیت پیامبر) بود. از سراینده‌گان برجسته دوره‌ی اموی؛ فرزدق، سعید حمیری، دعبل، جریر و ابوالعتاهیه... می‌باشند.

ادبیات فارسی در طول تاریخ، سرشار از تفاسیر و مفاهیم قرآنی می‌باشد، حافظ قرآن را با چهارده روایت مختلف از حفظ داشته است و مثنوی مولانا به همراه با تفسیر قرآن باشد. ادبیات عرب هم با اعجاز قرآن، پایه و اساس محکمی را پیدا کرد. بهره‌مندی از مفاهیم والا، به جای وصف شراب و مستی، یا برتری جوئی‌های قومی، قبله‌ای و پرداختن به فصاحت کلام و زیبایی شناسی، بزرگترین اتفاق در ادبیات عرب و زبان فارسی بود.

نگاه دوره‌ی مشروطیت، به شعر مذهبی متفاوت است؛ «هم از لحاظ اندیشه‌ی تجدد مذهبی و بزرگداشت آن؛ (که برخاسته از تعالیم سید جمال الدین اسدآبادی بود) و فکر وحدت اسلامی و توجه به ضعف و انحطاط ملل مسلمان و این که، همه‌ی این عقب افتادگی‌ها، برخاسته از دوری مسلمانان، از واقعیت اسلام است و هم از لحاظ پیدایش اندیشه‌های ضد مذهبی، در شعر این عصر، که به مناسبت درگیری با خرافات پیوند یافته با مذهب، بعضی شاعران، مذهب را، مانع پیشرفت‌های اجتماعی، احساس می‌کردند.» (کدکنی: ۸۹، ۱۳۹۰)

ادبی در فرهنگ و تمدن‌های بزرگ حضور داشته و در ایران، تعزیه‌ها، روحوضی‌ها و نقالی‌های شاهنامه (مثل: تراژدی رستم و سهراب)، می‌تواند در این دسته بندی قرار بگیرد.

تجلی قرآن در شعر

حضور قرآن و حدیث، در سروده‌ی شاعران سده‌های سوم و چهارم کم‌رنگ است، چرا که مضمون آن، یا، بیشتر مدح و ستایش است، یا عشق و تغزل؛ شعر نیز در ابتدای راه به سر می‌برد، اما با حضور عرفان و امتزاج آن با مفاهیم عاشقانه از سده‌ی هفتم به بعد، به اوج می‌رسد.

اثر پذیرش شاعران از قرآن و حدیث به شکل‌های مختلف تصویر شد و در دسته بندی‌هایی آن‌ها را قرار داده اند؛ مثل اثر پذیرش واژگانی، اثر پذیرش گزاره‌ای (اقتباس، حل، ...)، اثر پذیرش گزارشی (ترجمه، تفسیر، ...) اثر پذیرش الهامی، تعلیمی، تاویلی، تطبیقی، تصویری و... حتی تأثیر به لحاظ ساختمان و ساختار اثر، در شعر شاعران از قرآن، کاملاً مشهود است. چنان‌که، شباهت‌های زیادی را به لحاظ ساختاری، بین مثنوی مولوی و قرآن و غزل‌های حافظ و آیات قرآن مطرح کرده اند.

این الگو تنها، در اشعار کلاسیک دیده نمی‌شود، بلکه در سروده‌های نوسرایان هم حضور دارد.

سوره‌ی تماشا (سهراب سپهری)

به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

و به پرواز کبوتر از ذهن

واژه‌ای در قفس است....

برگی از شاخه بالای سرم چیدم، گفتم:

چشم را باز کنید، آیتی بهتر از این می خواهید؟

می شنیدم که بهم می گفتند:

سحر می داند، سحر!

(سهراب سپهری، ۱۳۹۲: ۳۵۱)

در این شعر، شباهت محتوایی آن را با آیات قرآن مشاهده می کنیم. در قرآن تعدادی از سوره ها به (عصر، شمس، قمر و...) سوگند داده شده اند. کلماتی مانند: (سوگند، سوره، رسول، آیت) به لحاظ مذهبی و قداست، به یکدیگر شبیه هستند. سوگند دادن، حاکی از تقدس و مهم بودن پیامی است که در آن، نهفته شده است. تماشاً، یعنی دیدن از روی معرفت؛ کشف و شهودی عارفانه است که انسان، در هر کدام از پدیده های آفرینش، نشانی از پروردگار خود را می جوید.

نام پروردگار، همان اسم اعظم است و رسالت پیامبر، دعوت مردم از ظلمت، به سمت روشنایی است و با کلمه آغاز می شود. سخن در دل شاعر همچون کبوتری زندانی است و دل جایگاه خداست. پس: "الیه یصعد الکلم الطیب" (سوره فاطر، آیه ۱۰) روشنایی، دور از وجود انسان نیست و اگر بخواهد و درون را تطهیر کند، نور بر او می تابد. برگ بید را دیدن، تفکر فلسفی شاعر است و اشاره دارد، به آیه (هرجا رو کنید، خدا را می بینید). و رسالت شاعر که پیامبر گونه به مخلوقات خداوند می نگرد، حضور قادری مطلق را، حتی در ذره ای ناچیز اعتراف می کند و باز اشاره ی شاعر به همان اندیشه ی شرقی و عرفانی است که: "هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار". سحر دانستن، یادآور تهمتی است که به پیامبر و سخنان معجزه وار قرآنی ایشان، نسبت می دادند. حرف های شاعر، آنقدر روشن و ساده است، که آنهایی که نمی فهمند، آن را جادو معرفی می کنند.

شعر آیینی امروز

در شعر کهن فارسی آثار بزرگان شعر، موضع دینی داشتند، یعنی تلاش برای بیان تعلیمات و دیدگاه‌های اخلاقی و مذهبی؛ اما در دوره‌ی صفوی، شعر سرایی با موضوع مذهبی رواج بیشتری پیدا کرد و اشعار بسیاری برای بزرگان دین سروده شد.

در کنار مضمون و نگرش آیینی در اشعار، قالب‌های شعری نیز دچار تحول شد. شاعران به قالب‌های کهن دوباره روی آوردند، آن هم به طرز تازه، چون ذهن موسیقایی مردم نشأت گرفته از همان قالب‌های شناخته شده بود، توجه بیشتری به این قوالب ادبی نمودند و همراه با غزل، که قالب غالبی بود، علاوه بر دیگر قالب‌های ادبی، مثنوی و رباعی نیز در اشعار آیینی، احیاء گردید. مانند مثنوی‌های علی معلم دامغانی و رباعی‌های سید حسن حسینی و قیصر امین پور؛ حتی شاعران در قالب ترکیب بند و ترجیع بند هم، با مضامین آیینی تجربه‌هایی را کسب کردند.

مضامینی که تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی، وارد شعر، در قالب‌های متفاوت شد، نشأت گرفته از اتفاقات اجتماعی و اعتقادی آن روزها بود، که می‌توان در دسته بندی‌های مشخص، به معرفی سرفصل این موضوعات پرداخت. استاد مجاهدی که از محققان و شاعران به نام در حوزه‌ی شعر آیینی است، مقوله‌های شعر آیینی را این گونه معرفی می‌کنند:

۱. «شعر توحیدی یا کبریایی؛ شامل مقوله‌های پرستش، نیایش و ستایش ربوبی

۲. شعر ماورایی؛ که به تبیین مقوله‌هایی از قبیل معرفت، بصیرت، عدالت، مروت

و عرفان می‌پردازد.

۳. شعر خود پیرایی، که مقوله‌های پندی و اندرزی و اخلاقی در این نوع شعر بروز

پیدا می‌کند.

۴. شعر رهایی؛ که از موضوعاتی سخن به میان می‌آورد، که از یک سو، در بُعد

شخصی، موجب رهایی انسان، از شر نفس حیوانی و وسوسه‌های شیطانی می‌گردد

گردشگران جهانی هستند/بی پاسپورت و بلیط / به هر دیار غریبه / سر زده / پا می‌نهند / این گردشگران نذیرهای زمانند...

شاعر در این شعر، تحت تاثیر قصص قرآنی، حوادثی را که در دوره‌های مختلف به عنوان عذاب کافران، نازل شده، روایت می‌کند. تصاویر اغلب ساده و گاه تکراری است، شاعر، در عین روایت تاریخ، به رویارویی پیغمبران، با قوم کافر خود، اشاره می‌کند. بیشتر مضامین و کلمات، مختص آیات قرآن است، مانند؛ صرصر، نذیر، سلیمان و نوح... تکرار صاعقه، که تکرار عذاب ستمکاران است؛ و در آن خشک و تر با هم می‌سوزد. در پایان، راوی، زمین در حال احتضار را، در انتظار روح زمان خود می‌بیند.

قیصر امین پور

هر چند در آن روزها، خیلی به شعر نیمایی توجه نمی‌شد و هر کس در پی رساندن صدای شعر بی وزن خود به این و آن بود، قیصر امین پور، شاعری است، که مفهوم زمان را درک می‌کند و با آگاهی کامل، وارد حوزه‌ی شعر نیمایی می‌شود. آن چه که در همه‌ی آثار قیصر بیش تر مورد توجه است، آشنایی او با زبان مخاطب است. تغییرات آثار او هم در محتوا و هم در فرم صورت می‌گیرد و زمانی که حرفی برای گفتن دارد و قالب و وزن، مجاللی به او نمی‌دهند، به سراغ شعر نیمایی می‌رود.

ظهر روز دهم

کودک ما در میان صحنه تنها بود / آسمان غرق تماشا بود / ابرها را آسمان از پیش چشم خویش پس می‌زد
و زمین از خستگی در زیر پای او نفس می‌زد / آسمان بر طبل می‌کوبید / کودکی تنها به سوی دشمنان می‌راند

و گام نخست بر زمینه‌ی بی تعریف شعر نو مذهبی است.» (تقی دخت، ۱۳۸۷: ۴۰)
 «از جهتی دیگر، حسینی نشان داد که با استفاده از تکنیک و بلاغت، به زبان امروز هم می‌شود، تعریفی برای شعر مذهبی ارائه داد، او، بر خلاف مسلک شاعران حماسه‌ای گذشته، که سعی در ایجاد انگیزه و هیجان برای بیان مفاهیم حماسی داشتند، تصویری تازه از وقایع دینی با کلامی تازه را وارد شعر نمود.» (همان: ۴۰-۳۹)

راز رشید

به گونه‌ی ماه / نامت زبازد آسمان‌ها بود / و پیمان برادری ات / با جبل نور / چون
 آیه‌های جهاد / محکم
 تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورد / و ساعتی بعد در باران متواتر
 پولاد / بریده بریده /
 افشا شدی / و باد / تو را با مشام خیمه گاه / در میان نهاد و انتظار در بهت کودکانه‌ی
 حرم / طولانی شد
 تو آن راز رشیدی / که روزی فرات بر لب آورد / و کنار درک تو / کوه از
 کمر شکست (حسینی، ۱۳۸۴: ۳۸)

این شعر در وصف حضرت ابوالفضل (ع) است. روح حماسی در واژه‌های این شعر در جریان، و هر کلمه سر جای خودش نشسته است. هیچ کلمه‌ای به عنوان مترادف، قابلیت آن را ندارد که در محور جانشینی این واژه‌ها، نقشی ایفا کند. شاعر روایت می‌کند، اما کل روایت از نظام مفهومی، تصویری و موضوعی برخوردار است. او توصیف صرف نمی‌کند و شعر دارای خط عمودی است که مخاطب را با خود همراه می‌کند، بدون این که از واژه‌های رو و مستعمل استفاده کند و فرصت تأویل پذیری بیشتری به اثر می‌بخشد.

شده است که قابل تامل و توجه می‌باشند، که ذکر آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد. امید است، این پژوهش بتواند، آغازگر تحقیقات جدی‌تری در زمینه‌ی شعر سپید امروز، با محتوای آیینی، باشد و مسیر تازه‌ای را پیش روی مخاطبان خود قرار دهد.

منابع

۱. احمدی، بابک، ساختار و تاویل متن، چاپ سوم، جلد ۱ و ۲، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
۲. آرین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، چاپ پنجم، نشر زوار، تهران، ۱۳۸۷.
۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، چاپ دوم، با ترجمه رسولی محلاتی، نشر صدوق، (بی جا)، (بی تا).
۴. الهی قمشهای، مهدی، قرآن کریم، چاپ دوم، نشر خانه آفتاب، تهران، ۱۳۸۸.
۵. بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی، سبک شناسی نثر، چاپ چهارم، جلد ۱ و ۲، نشر زوار، تهران، ۱۳۹۰.
۶. ترابی، سید محمد، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران، چاپ دوم، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۴.
۷. حسینی، سید حسن، گنجشک و جبرئیل، چاپ پنجم، نشر افق، تهران، ۱۳۸۴.
۸. حسینی، سید حسن، شاعری در مشعر (گزیده اشعار)، چاپ چهارم، انتشارات تکا، تهران، ۱۳۸۸.
۹. حقوقی، محمد، شعر نو از آغاز تا امروز، چاپ دوم، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۳.
۱۱. راستگو، سید محمد، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
۱۲. سپهری، سهراب، هشت کتاب، چاپ سوم، نشر نیلوفرانه، قم، ۱۳۹۲.
۱۳. —. صور خیال در شعر فارسی، چاپ هشتم، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. —. موسیقی شعر، چاپ دوازدهم، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. شمیسا، سیروس، بیان، چاپ دوم، نشر میترا، تهران، ۱۳۸۶.
۱۶. صفارزاده، طاهره. اندیشه در هدایت شعر، نشر نزدیک، تهران، ۱۳۸۴.

